

بررسی عوامل خانوادگی مؤثر در گرایش نوجوانان ۱۸-۱۲ ساله به بزهکاری در

کانون اصلاح و تربیت شهرستان گرگان*

سیفاله فرزانه^۱

شهرام ملانیا جلودار^۲

اسماعیل زمانی راد^۳

چکیده

شرایط نامطلوب خانواده می‌تواند برای بزهکاری مساعد باشد، پس به همان نسبت وجود شرایط مطلوب در خانواده رشد ذهنی، عاطفی، روانی و اجتماعی نوجوان را امکان‌پذیر ساخته، مهمترین گام در پیشگیری از بزهکاری است. هدف مطالعه بررسی عوامل خانوادگی مؤثر در گرایش نوجوانان ۱۸-۱۲ ساله به بزهکاری در کانون اصلاح و تربیت شهرستان گرگان است. روش این پژوهش مطالعه‌ای توصیفی - تحلیلی از نوع مقطعی است، مطالعه بصورت پیمایشی و تکنیک پرسشنامه بر روی ۵۸ نفر از کلیه بزهکاران نوجوان مستقر در کانون اصلاح و تربیت شهرستان گرگان انجام گرفته است. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد از میان شش متغیر وارد شده در پژوهش، متغیر گسیختگی خانواده نوجوان با ضریب ۰.۴۵۴، تأثیر اصلی و نقش اساسی را در بزهکاری نوجوانان دارد. این متغیر به تنهایی توانسته ۰.۳۰ درصد از واریانس متغیر گرایش به بزهکاری نوجوانان را پیش‌بینی نماید. بررسی نشان داد که عوامل خانوادگی در گرایش نوجوانان به بزهکاری به شکل زیر تأثیرگذار بود. از میان عوامل خانوادگی: گسیختگی خانواده، روابط اعضای خانواده، کنترل و نظارت والدین، باورها و اعتقادات مذهبی خانواده و انحراف یکی از اعضای خانواده با گرایش نوجوانان به بزهکاری رابطه معناداری دارند، اما میان سختگیری والدین و احساس طردشدن از سوی خانواده با گرایش نوجوانان به بزهکاری رابطه معنا داری مشاهده نشد.

کلید واژه: بزهکاری، نوجوان، خانواده، گسیختگی خانواده، کانون اصلاح و تربیت.

* تاریخ وصول: ۱۳۹۴/۳/۱۱ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۴/۶/۲

۱- استادیار گروه جامعه‌شناسی، واحد بابل، دانشگاه آزاد اسلامی، بابل، ایران mfilib@yahoo.com

۲- گروه جامعه‌شناسی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران smollania@yahoo.com

۳- کارشناس ارشد جامعه‌شناسی، واحد بابل، دانشگاه آزاد اسلامی، بابل، ایران

۱- مقدمه و بیان مسأله

خانواده از اهم عوامل مؤثر بر جامعه است؛ تا آنجایی که می‌توان گفت؛ هیچ جامعه‌ای نمی‌تواند به سلامت برسد مگر آنکه از خانواده‌هایی سالم برخوردار باشد (جنگوک، ۱۳۸۸: ۸).

آشکار است که هرگونه نارسایی در عملکرد خانواده، تأثیراتی نامطلوب بر رفتار فرزند بجا می‌گذارد که این مسأله می‌تواند پیامدهایی منفی برای کل جامعه در بر داشته باشد. لذا همچنانکه پیشگیری برای جلوگیری از بیماری بهتر از درمان پس از بیمار شدن می‌باشد از اینرو هم لازم می‌باشد که برای جلوگیری از ارتکاب بزهکاری اعمال پیشگیرانه انجام شود تا در نهایت به جامعه‌ای سالم دست یابیم.

محیط خانواده اولین محیطی است که فرد در آنجا رشد می‌کند و هنجارها را می‌آموزد. علی‌رغم اینکه بسیاری از عوامل در وقوع بزهکاری اطفال و نوجوانان دخیل‌اند اما در گام نخست این خانواده‌ها هستند که نقش تعیین‌کننده‌ای در سرنوشت اطفال دارند. چنانکه با تربیت درست می‌تواند کودک را به راه صحیح هدایت کنند و یا شرایط و محیط را برای تحقق بزهکاری توسط اطفال مهیا سازند. معمولاً والدین اطفال یا نوجوانان بزهکار از نظر رفتاری یا بسیار خشن و سخت‌گیر هستند و یا نسبت به فرزند خود بسیار بی‌توجه و سهل‌انگار هستند. غالباً والدین این دسته از اطفال و نوجوانان در ارتباط برقرار کردن با فرزند خود دچار اشکال هستند و نمی‌توانند به درستی به تکالیف خود نسبت به فرزندشان عمل کنند (نوری، ۱۳۸۹: ۵۲).

بنابراین می‌توان گفت اهمیت موضوع مورد بحث بدین جهت است که «خانواده» در تربیت و پرورش افراد نقش اولیه و اساسی دارد و هرگونه نارسایی در عملکرد خانواده تأثیرات نامطلوبی در بهنجار نمودن فرزندان می‌گذارد. بر همین اساس خواه کانون خانوادگی جرم‌زا باشد یا اینکه تمایلات مجرمانه را مهار نماید برحسب موقعیت زمانی و مکانی، روز به روز براهمیت آن افزوده می‌شود (جواهری، ۱۳۸۸: ۵).

در ایران طبق گزارش‌های آماری، تا سال ۱۳۴۵ تعداد بسیار کمی از نوجوانان در کانون‌های تربیتی نگهداری می‌شدند. ولی از سال ۱۳۵۶ جرائم نوجوانان کمتر از ۱۸ سال از نوع سرقت و ضرب و جرح و چاقوکشی و قاچاق افزایش داشته‌است. با توجه به آمارهای منتشر، بطور خلاصه می‌توان گفت که ۵۰ درصد از جرائم نوجوانان، جرائمی علیه اشخاص از نوع ضرب و جرح غیر عمدی؛ ۴۵ درصد از نوع منازعه و چاقوکشی و یا ضرب و جرح بوده است، و فقط ۵ درصد بقیه مربوط به قتل‌های عمدی می‌باشد (اداره کل زندان‌های استان گلستان، آمار و اطلاعات).

در این میان، بدون شک نقش و کارکرد خانواده به عنوان عاملی برای پیشگیری از بزهکاری نوجوانان برجسته می‌نماید: خانواده نخستین گروهی است که فرد به عضویت آن در می‌آید و پرورش کودک در

خانواده، از تأثیری غیرقابل چشم‌پوشی در نگرش‌ها و رفتارهای آتی برخوردار است (جنگوک، ۱۳۸۸: ۱۲). با توجه به اینکه سازندگی فردی جامعه بستگی به نیروی فعال پرشور و سلامت جسمی و روحی نسل نوجوان دارد، لازم است که همه امکانات جامعه برای پیشگیری و مبارزه و ریشه کن کردن بزهکاری نوجوانان کشورمان به کار برده شود. از طرف دیگر آنچه موجب نگرانی شده است صدمات و لطمات جبران ناپذیری است که بر اثر فروپاشیدن کانون خانواده ایجاد می‌شود، صدماتی که متوجه تمام اعضای خانواده بخصوص فرزندان می‌شود. بعد از جدایی برای اکثر افراد یک دوره تضاد و دوگانگی عاطفی و تغییرات خلقی جدید پیش می‌آید که در رفتار خانواده بخصوص فرزندان تأثیر عمیقی می‌گذارد که از جمله آن بزهکاری است.

به این ترتیب در این پژوهش با استعانت از نظریات مطرح در جامعه‌شناسی انحرافات به دنبال این هستیم تا به بررسی عوامل خانوادگی مؤثر در گرایش نوجوانان ۱۸-۱۲ ساله به بزهکاری در کانون اصلاح و تربیت شهرستان گرگان بپردازیم.

۲- چارچوب نظری تحقیق

۲-۱- نظریه انومی و ساختار خانواده ویلیام گود

ویلیام گود با یاری گرفتن از انومی و تعمیم آن به نهاد خانواده در صدد است که انومی در اجتماع را تبیین نماید. بنا به نظریه ویلیام گود خانواده یک ساختار کوچک اجتماعی کننده انسان‌ها است، خانواده اولین نهادی است که انسان در آن قدم می‌گذارد و شخصیت انسان در دوران کودکی در آن پرورش نموده و عکس‌العمل آن در بزرگی نمایان می‌شود. بعضاً در ارتباط با ارزیابی از چگونگی شخصیت افراد پیشینه خانوادگی او را در نظر می‌گیرد. ویلیام گود معتقد است که خانواده کانون و هسته اصلی تشکل اجتماعی و به‌عنوان یک سیستم کوچک اجتماعی است، زیرا بنای جامعه بزرگتری را فراهم می‌کند، هنجارها و ارزش‌های حاکم بر آن بر تک تک افراد تأثیر قطعی دارند. شناخت سازمان و انگاره‌های خانواده می‌تواند به عنوان کلیدی برای شناخت رفتارهای فرد پرورش یافته در آن تلقی گردد. زیرا بدون تردید خانواده عامل پیدایش و تشکیل شخصیت فرد محسوب می‌شود (محسنی تبریزی، ۱۳۸۳: ۶۸).

به نظر گود هنگامی که یک یا چند تن از اعضای خانواده نتوانند وظایف و نقش خود را به طور مناسب و شایسته‌ای انجام دهند، گسیختگی خانوادگی به وجود می‌آید، گسیختگی خانوادگی می‌تواند معلول عواملی چند باشد:

الف) فقدان پدر که در اثر مرگ و میر، طلاق یا اشتغال بیش از حد پیش می‌آید.

ب) فقدان یا غیبت مادر به علت اشتغال خارج از خانه، مرگ یا طلاق که در این شرایط اجرای نقش‌های مادرانه دچار اختلال می‌گردد.

ج) وجود روابط عاطفی ضعیف و حتی متعارض بین اعضای خانواده که علی‌رغم زندگی اجتماعی با یکدیگر در ظاهر، اما از کارکردهای کنش متقابل ضعیفی برخوردار بوده و نسبت به همدیگر از هم حسی و همدلی برخوردار نیستند (همان، ۶۹).

گسیختگی خانواده باعث می‌شود که خانواده و اعضایش دچار بحران شده و نیازهای روحی و روانی و جسمی آنان درست و به موقع برطرف نشود، در چنین شرایطی نوجوان مثل دیگر اعضاء خانواده دچار آسیب شده و به طرف رفتارهای بزهکارانه کشانده می‌شود.

۲-۲- نظریه‌های یادگیری اجتماعی

۲-۲-۱- ساترلند و پیوند افتراقی

ادوین ساترلند (۱۹۵۰-۱۸۸۳) جامعه‌شناسی است که با مکتب شیکاگو در جامعه‌شناسی همکاری داشته و تئوری افتراقی یا ارتباطات نسبی را بنیاد نهاد (Vander zenden, 2002: 141). ساترلند بر این اعتقاد است که رفتار انحرافی از طریق معاشرت با اغیار یا پیوند افتراقی یعنی داشتن روابط اجتماعی با انواع خاصی از مردم مانند جنایتکاران، آموخته می‌شود. او می‌گوید برای آنکه شخص جنایتکار شود، باید نخست بیاموزد که چگونه می‌توان جنایت کرد. در واقع فرایند یادگیری رفتار انحرافی به وسیله والدین منحرف یا دوستان فرد مجرم تعیین می‌شود (ستوده، ۱۳۸۴: ۱۳۱). این تئوری بر اساس دیدگاه کنش متقابل نمادی استوار شده و نقشی را که کنش متقابل اجتماعی در شکل‌گیری رفتار و گرایش‌های انسان‌ها بازی می‌کند، مورد تأکید قرار می‌دهد (Vander zenden, 2002: 141 and Vold & Bernard, 1986: 209). رفتار مجرمانه از طریق ارتباط و همنشینی با الگوهای جنایی که در دسترس و قابل قبول بوده و در محیط زندگی فرد (محیط فیزیکی و اجتماعی) مورد تشویق می‌باشند آموخته می‌شوند (Horton & Hunt, 1984: 172).

ساترلند می‌گوید افراد تا آن حد منحرف می‌شوند که در محیط‌هایی شرکت کنند که ایده‌ها، محرک‌ها و تکنیک‌های بزهکاری، مورد قبول آن محیط باشد. به‌عنوان مثال یاد می‌گیرند چگونه مواد مخدر غیرقانونی بدست آورده، استعمال کنند و یا چگونه دزدی کنند و سپس اشیاء دزدی را بفروشند. هرچه تماس افراد با چنین محیط‌هایی زودتر آغاز شود (سن افراد) تکرار تماس به دفعات بیشتر باشد (فراوانی معاشرت)، ارتباط نزدیکتر و عمیق‌تر باشد (عمق معاشرت) و مدت این معاشرت‌ها طولانی‌تر باشد (مدت

زمان معاشرت) به همین نسبت احتمال اینکه آنها نیز در نهایت به یک بزهکار تبدیل شوند، بیشتر است. رفتار منحرف نه تنها آموخته می‌شود، بلکه یاد داده می‌شود. بنابراین این تئوری برای آنکه چه چیزی آموخته می‌شود (شامل فنون و تکنیک‌های خاص ارتکاب جرم) و از چه کسی آموخته می‌شود، متمرکز می‌گردد (Vandev Zenden, 2002: 141).

هرچه روابط اعضای خانواده سالم و از صمیمیت بیشتری برخوردار باشد، امکان بروز انحراف کمتر می‌باشد (Stewart & Glynn, 2012: 140 and Vold & Bernald, 1986: 210-211).

وقتی والدین به محله جدیدی نقل مکان می‌کنند تا فرزندشان از دوستان بد و شرور فاصله بگیرند، یا در مورد سرپرستان زندان‌ها که سعی دارند معاشرت و نزدیکی زندانیان تحت سرپرستی خود را کنترل و محدود کنند، آنها اصل پیوند افتراقی را براساس این مثل «دوستان خوب، پسران خوب و دوستان بد، پسران بد بوجود می‌آورند» به کار می‌برند. این تئوری نشان می‌دهد که زندانی بودن نتیجه معکوس به بار خواهد آورد، چنانچه این جوانان با بزهکاران و مجرمین با تجربه یک جا حبس شوند (Zanden, 2002: 141).

۲-۲-۲- گلیزر و هویت‌پذیری افتراقی

دانیل گلیزر مدعی است که نظریه ساترلند رویکردی ماشین‌انگاره به کج رفتاران دارد و چنین می‌پندارد که تعامل با کج رفتاران شخص را بطور مکانیکی وادار به درگیر شدن در امور کج رفتارانه یا بزهکارانه می‌کند. با این کار قابلیت‌های تصمیم‌سازی و پذیرش نقش فرد نادیده گرفته شده است. گلیزر در تلاش برای اصلاح این تصویر ماشین‌انگاره از کج رفتاران، اظهار داشته که تعامل با کج رفتاران (واقعی یا مجازی) به خودی خود ضرری ندارد مگر اینکه به حدی برسد که فرد خود را با کج رفتاران یکی بداند و از آنها هویت بگیرد (گلیزر، ۱۹۵۶). بنابراین به نظر می‌رسد که گلیزر از نشست و برخاست افراد با کج رفتاران در جهان واقع را در کتاب‌ها و فیلم‌ها، در صورتی که کسی از آنها هویت نپذیرد و با آنها به عنوان الگو و قهرمان خود برخورد نکند، هراسی ندارد، چون پیوند افتراقی را کج رفتار ساز نمی‌داند و علت اصلی کج رفتاری را دخالت متغیر سوم یعنی هویت‌پذیری از کج رفتاران یا هویت‌پذیری افتراقی می‌داند (صدیق، ۱۳۸۹: ۱۷).

۲-۲-۳- نظریه بلومر

بلومر معتقد بود جامعه معاصر وی، اکنون به سرایشی سقوط ارزشها و نیز به سقوط انسان و کنش متقابل نمادی کشیده می‌شود، درست از همین دیدگاه بود که بلومر سعی نمود به نکات اساسی و بنیادی آسیب‌های اجتماعی و انحرافات مرضی موجود در جامعه با دیدی تازه روبرو شود (تنهایی، ۱۳۷۱: ۷۲).

از نظر بلومر، واکنش افراد انسانی در مقابل اشیاء براساس معنای آنها صورت می‌گیرد. وی کنش متقابل را به سه قضیه ساده متکی می‌داند: ۱- افراد انسانی همه در مقابل اشیاء و موضوعات بر اساس معنایی که آن اشیاء برای آنها دارند، واکنش نشان می‌دهند. این موضوعات، هر چیزی را که در جهان مورد ملاحظه و توجه قرار می‌گیرد، شامل می‌شوند. اشیاء فیزیکی نظیر درخت، صندلی، سایر افراد مثل مادر، فروشنده، گروه‌های انسانی از قبیل دوستان و دشمنان، نهادهای اجتماعی نظیر مدرسه یا حکومت و... به طور کلی اوضاعی که افراد در زندگی روزمره با آن درگیر می‌شوند، سراسر روزمره (شیء) تلقی می‌گردند. ۲. معنی اشیاء از کنش متقابل سرچشمه می‌گیرد. بنابراین معانی نه در ذات پدیده‌ها وجود دارند و نه در ذهن انسان، بلکه تنها در روابط متقابل اجتماعی معنا می‌یابند. ما معانی را از روابط متقابل اجتماعی یعنی از هنجارهای اجتماعی و از ساخت اجتماعی - اقتصادی خانواده می‌گیریم، نه از ذهنیت خودمان. ۳- معانی مذکور در جریان کنش و برخورد فرد با پدیده‌ها مورد تعبیر و تفسیر قرار گرفته، تغییر می‌کنند. هر کدام از افراد در برخورد و در کنش با دیگری کاری را که آن دیگری انجام می‌دهد ارزیابی می‌کنند و سپس سعی می‌کنند رفتار و وضعیت خود را بر اساس ارزیابی خود از کنش دیگران جهت یا تغییر دهند. بنابراین کنش‌های دیگران در شکل‌دادن کنش‌های آنان تأثیر می‌گذارد و بر اثر کنش دیگران ممکن است فرد وضعیت خود را رها کرده و در آن تجدید نظر کند، بنابراین رفتار دیگران در عمل فرد حضور دارد و در طرحی که فرد بر کنش خود ترسیم نموده است مؤثر واقع می‌گردد. «عمل انحرافی دیگران و تماس با افراد کجرو روی کنش فرد تأثیر منفی دارد» (تنهایی، ۱۳۷۱: ۲۷۵-۲۷۳ و توسلی، ۱۳۷۰: ۳۱۹-۳۱۷).

۲-۳- نظریه‌های فشار

۲-۳-۱- مرتن و فرصت‌های مشروع افتراقی

نظر رابرت مرتن این است که جامعه، فرد را به کج رفتاری وادار می‌کند. به بیان خود او، کج رفتاری حاصل فشارهای ساختارهای اجتماعی خاصی است که افراد را به کج رفتارشدن مجبور می‌کند. به نظر مرتن، جوامع صنعتی جدید بر توفیقات مادی در زندگی تأکید دارند که به شکل انباشت ثروت و تحصیلات علمی به عنوان مهمترین اهداف زندگی شخص و معیارهای منزلتی تجلی می‌کنند. دستیابی به این جامعه خارج از واقعیت است، یعنی جامعه طوری ساخت یافته که طبقات فرودست، فرصت‌های کمتری برای تحقق آرزوهای خود دارند. در نتیجه چون این اهداف به آرمان‌های اصلی زندگی همه افراد (فقیر و غنی) مرتبط شده آن کس هم که دسترسی به ابزار مشروع ندارد، تحت فشار جامعه برای دستیابی به آنها از ابزار نامشروع استفاده می‌کند (همان: ۲۳).

۲-۳-۲- نظریه آلبرت کوهن (ناکامی منزلتی)

کوهن می‌گوید که پسران منحرف طبقه پایین اجتماع تلاش دارند تا در چشم گروه خود آدم موفق‌ی جلوه کنند و این موفقیت در توانایی کلاه گذاشتن بر سر مقامات مدرسه، ترساندن پلیس و همسایه‌ها و وارد کردن صدمات خطرناک سنجیده می‌شود.

در اینجا مسأله پیشرفت و اهداف مربوط به کار و موفقیت در کسب پول به هیچ وجه مطرح نیست، در پشت سر انحرافات افراد طبقه پایین اجتماع، بیان نارضایتی و عدم علاقه بر علیه جامعه‌ای پنهان است که به نظر آنها به هیچ وجه نمی‌توان به هنجارهای پذیرفته شده در آن دست یافت (Stewart & Glynn, 2012:143).

از نگاه کوهن، ناهمسازی‌های اهداف و ابزار مورد نظر مرتن به خودی خود به کج رفتاری نخواهد انجامید، جز اینکه متغیر مداخله‌گری چون سرخوردگی و ناکامی منزلتی به معادله اضافه شود. به بیان دیگر کوهن و مرتن هر دو فرض کرده‌اند که اعضای طبقه پایین بیش از دیگران احتمال دارند که در فعالیت‌های نابهنجار مشارکت کنند، چون جامعه نمی‌تواند به آنها کمک کند که به آرزوهای خود دست یابند. بنابراین اگر مرتن مدعی بود که شکاف بین اهداف و ابزار موجب کج رفتاری است، کوهن می‌گوید که شکاف بین اهداف و ابزار به واسطه ناکامی منزلتی موجب کج رفتاری می‌شود (کوئن، ۱۳۹۲: ۸۵).

۲-۴-۲- نظریه‌های کنترل

۲-۴-۱- نظریه کنترل اجتماعی نای

ایوان نای معتقد است که مهمترین عامل رفتار بزهکارانه، ناکافی بودن کنترل اجتماعی است. کنترل اجتماعی، مفهوم گسترده‌ای است که کنترل‌های مستقیم اعمال شده از طریق ابزارها و وسایل بازدارنده و مجازات‌ها، کنترل درونی یا آنچه وجدان نامیده می‌شود، کنترل غیرمستقیم مرتبط با سیمای ظاهری و رفتار والدین و دیگران و نیز ابزارهای مشروع و قابل ارضای نیازها را شامل می‌شود (رئبسی، ۱۳۸۲: ۱۴۱).

۲-۴-۲- نظریه علقه اجتماعی - علل هیرشی از بزهکاری

این نظریه بر این نکته تأکید دارد که علقه‌ای فرد را به جامعه پیوند می‌دهد (Horton & Hunt, 1984: 177). این نظریه هم‌نوایی را حاصل وجود پیوندهای اجتماعی بین افراد جامعه و اعمال انواع کنترل از طرف جامعه دانسته و ناهم‌نوایی را ناشی از گسستن پیوندهای مشخص با نظم قراردادی جامعه می‌داند. تراویس هیرشی معتقد است که کج‌روی معلول ضعف و یا گسستگی تعلق فرد به جامعه است (صدیق، ۱۳۶۸: ۹۰). هیرشی بحث می‌کند که ضرورتی ندارد انگیزه برای بزهکاری را توضیح دهیم زیرا ما همگی موجوداتی

هستیم که بطور طبیعی قادر به ارتکاب اعمال جنایی می‌باشیم. او می‌گوید افرادی که با گروه‌های دیگر مثل خانواده، مدرسه و گروه همسالان رابطه قوی و محکمی دارند، کمتر احتمال دارد مرتکب اعمال بزهکارانه شوند. او چهار علقه اجتماعی را مطرح کرد که عبارتند از: عقیده یا باور، دلبستگی و تعلق، تعهد و مشغولیت (Vold & Bernard, 1986: 241). منظور از عقیده: ارزش‌های درونی شده است، هرچه عقیده محکمتر باشد، احتمال انحراف کمتر است (Horton & Hunt, 1984:177). هیرشی می‌گوید «شخصی که کمتر معتقد به اطاعت از مقررات باشد با احتمال بیشتری قانون را نقض می‌کند». دلبستگی یا تعلق: دلبستگی، عاطفه و حساسیت نسبت به دیگران است و عنصر اساسی برای درونی کردن ارزش‌ها و هنجارهاست.

تعهد: سرمایه‌گذاری معقول فرد در جامعه و احتمال خطری که وجود دارد زمانی که خود گرفتار رفتار کجروی می‌شود (Vold & Bernard, 1986:241). تعهد، پذیرفتن هدف‌های قراردادی کل جامعه می‌باشد (گسن، ۱۳۷۰: ۱۶۳). مشغولیت: به فعالیت‌های فرد در نهادهای اجتماعی همچون کلیسا، مدرسه و سازمان‌های محلی اشاره می‌کند (Horton & Hunt, 1984:144). این عنصر مبتنی بر مشاهده این برداشت عمومی است که «دستان بیکار کارگاه شیطان و شر می‌باشد» و اینکه مشغول بودن، فرصت برای فعالیت‌های بزهکارانه را محدود می‌کند (Vold & Bernard, 1986:241).

۲-۴-۳- بریتویت و شرمندسازی

جان بریتویت مدعی است که در جوامع سنتی - جایی که در آن روابط متقابل اجتماعی قوی‌تر وجود دارد و فردگرایی ضعیف است (ژاپن) - شرمندسازی پیوند دهنده مؤثرتر است و توانسته است مانع کج رفتاری بیشتر شود. نظام قضایی ایالات متحده هم از اوایل سال‌های دهه ۱۹۹۰ میلادی مجازات‌های شرمندسازی را بخصوص در مورد رانندگی در حال مستی اعمال کرده است (صدیق، ۱۳۸۹: ۲۲-۲۱).

۲-۴-۴- رکلس و تئوری خود منعی

والتر رکلس عوامل مؤثر بر کنترل و تنظیم رفتار هنجارمند را به عوامل درونی و بیرونی تقسیم می‌کند. عوامل درونی آنهایی هستند که خویشتن فرد را تشکیل می‌دهند، عوامل بیرونی، یکسری عوامل ساختی هستند که در محیط نزدیک به خود وجود دارند و بر رفتار فرد تأثیر گذاشته، آن را محدود یا کنترل می‌کنند، از جمله: مشاهده حفظ ارزش‌های اخلاقی در جامعه که نتایجی از قبیل درونی شدن

هنجارها، حمایت و تقویت اهداف، انتظارات و تفکیک و تشخیص قواعد و مسئولیت‌ها و نقش‌ها را دارد (Thompson and Bynum, 2012: 210-215).

۲-۴-۵- ثورن بری و نظریه تعاملی

مطابق نظریه تعاملی، انگیزه اولیه فرد به سوی بزهکاری از ضعف پیوندهای (علقه) شخصی به هنجارهای جامعه در طول دوران نوجوانی به ویژه به دلیل عدم همبستگی به والدین، تعهد به مدرسه و باور به ارزش‌های سنتی و متداول جامعه ناشی می‌شود. به عبارت دیگر، هر زمان که این سه عامل پیوندی به هم‌نویایی با هنجارها ضعیف شوند، متعاقب آن پتانسیل (انگیزه بالقوه) فرد به انجام رفتار بزهکارانه افزایش می‌یابد (Ibid: 243). رویکرد تعاملی مدلی کامل از تمام عواملی است که با بزهکاری در ارتباطند. در این نظریه، بزهکاری نتیجه عدم شکل‌گیری دلبستگی به والدین، مدرسه و ارزش‌های حاکم بر جامعه در سنین اولیه کودکی است (Howe, 1995: 68). تأثیر کامل و مستقیم همسالان منحرف در گرایش به انحراف از آغاز دوره بلوغ تا اواسط آن رو به افزایش است، در ۱۳ سالگی به اوج می‌رسد و در ۱۵ سالگی و پیش از آن رو به کاهش می‌رود (Vold and Bernard, 1986: 289).

جدول ۱. اشکال، عوامل و برآمد کلی تحقیقات انجام شده در موضوع عوامل مؤثر بر بزهکاری

نام محقق	جامعه مورد مطالعه، سال	متغیر وابسته مورد تحقیق	عوامل مؤثر بر متغیر وابسته (بزهکاری نوجوانان)	برآمد کلی پژوهش
۱. مظلومی	شهر مشهد (کانون اصلاح و تربیت شهر مشهد)، ۱۳۷۶	بروز بزهکاری نوجوانان ۱۴-۱۱ ساله	عوامل خانوادگی	یافته‌ها نشان می‌دهد که: ۶۴.۵ درصد از نوجوانان بزهکار از محیط خانوادگی اخراج یا به دلیل تنبیهات بدنی از منزل فراری شده و ۲۷.۱ درصد از آنها مهاجر بودند. و ۶۵ درصد از نوجوانان بزهکار دچار کمبود محبت و بی‌توجهی از طرف والدینشان بودند، همچنین ۶۰ درصد از نوجوانان اظهار داشتند که والدینشان به مسائل دینی توجه ندارند و در انجام وظایف دینی خود کاهلی می‌کنند.
۲. کاهنی و همکاران	مدارس دخترانه و پسرانه شهرستان بیرجند، ۱۳۷۹	بررسی اضطراب، افسردگی، پرخاشگری و بزهکاری نوجوانان گروه سنی ۱۹-۱۲ ساله	مقایسه خانواده‌های گسسته و خانواده‌های پایدار	نتایج نشان دهنده این مطلب است که رفتارهای نابهنجار در نزد نوجوانان دختر و پسر متفاوت است؛ بطوریکه میزان افسردگی و اضطراب در دختران خانواده‌های گسسته بیشتر از پسران و میزان پرخاشگری و بزهکاری در پسران خانواده‌های گسسته بیشتر از دختران است. همچنین نتایج نشان دهنده‌ی تنش‌زا بودن طلاق بخصوص در کودکان و نوجوانان می‌باشد.

۳. رئیسی	مقایسه ۸۰ نفر نوجوانان بزهکار با ۸۰ نفر نوجوانان مدارس و دبیرستانهای شهر تهران، ۱۳۸۴	بزهکاری نوجوانان	روابط عاطفی در خانواده؛ وضعیت اقتصادی-عقادی - فرهنگی خانواده، اختلافات خانوادگی، حفظ شخصیت در خانواده	بین روابط عاطفی خانواده با فرزندان، وضعیت اقتصادی، اعتقادی و فرهنگی، اختلاف و مشاجره در خانواده و تحصیلات پدر و مادر در گرایش نوجوانان به بزهکاری رابطه معنادار وجود دارد. همچنین بر اساس نتیجه تحقیق بین حفظ شخصیت در خانواده و گرایش نوجوانان به بزهکاری رابطه ای بدست نیامد.
۴. حسینی و یکه کار	مقایسه ۵۰ نفر دختران کانون اصلاح و تربیت شهر تهران با ۵۰ نفر گروه غیر بزهکار، ۱۳۹۰	بزهکاری دختران نوجوانان شهر تهران	دل بستگی خانوادگی، کنترل و نظارت والدین، پایگاه اقتصادی-اجتماعی، وجود سابقه انحراف در والدین و اعتقادات والدین	یافته های پژوهش نشان داد که بین دو گروه مورد بررسی از نظر میزان دل بستگی والد- فرزندی، کنترل و نظارت والدین و وجود سابقه انحراف در والدین تفاوت معناداری وجود دارد، اما در زمینه مراقبت و اعتقاد والدین تفاوت معناداری بین دو گروه مشاهده نشد.
۵. جنگوک	نوجوانان شهر تهران، ۱۳۸۸	بزهکاری نوجوانان	تأثیر خانواده	نتایج نشان دهنده ی آنست که میانگین عملکرد خانوادگی، فشار وارد بر نوجوانان، سطوح وابستگی، سطح خود کنترل نوجوانان، فرصت تقویت رفتار بزهکارانه، سطوح یادگیری اعمال بزهکارانه و فرصت درگیری در فعالیت های مشروع در خانواده های غیر بزهکار و بزهکار تفاوت وجود دارد.
۶. نوری	نوجوانان شهر اهواز، ۱۳۸۹	بزهکاری نوجوانان	عوامل خانوادگی	نتایج تحقیق نشان می دهد که شیوه تربیتی مستبدانه و یا سهل گیرانه توأم با غفلت و بی توجهی والدین در گرایش نوجوانان به بزهکاری مؤثر می باشد. همچنین عواملی مانند ترک تحصیل نوجوان، اشتغال به کار نوجوان در سطح پایین و نیز نوع نگرش نوجوان بر انسانها و جامعه پیرامونی و نیز داشتن دوستان ناباب از دیگر عوامل مؤثر در گرایش نوجوانان بر بزهکاری می باشد.
۷. سامانی و بهمنش	مقایسه ۶۰ نفر نوجوانان عادی و بزهکار شیراز، ۱۳۸۹	بزهکاری نوجوانان	عوامل خانوادگی	تجزیه و تحلیل نشان داد که تفاوت معناداری در کنش ها و فرایندهای خانواده میان نوجوانان عادی و بزهکار وجود دارد بطوریکه در ابعاد فرایند خانواده نیز ابعاد انسجام و احترام خانواده، راهبردهای تصمیم گیری و حل مسأله و مهارت های مقابله ای میان دو گروه نوجوان عادی و بزهکار تفاوت معناداری وجود داشت، اما در دو بعد دیگر(مهارت های ارتباطی و جهت گیری مذهبی) تفاوت میان دو گروه معنا دار نبود.

۸ بارانی و تاتار	مقایسه نوجوانان بزهکار و غیر بزهکار شهر زاهدان، ۱۳۹۰	بزهکاری نوجوانان	ویژگی های خانوادگی و فردی نوجوانان	یافته های تحقیق نشان می دهد نوجوانان بزهکار اغلب در خانواده های پرجمعیت با پدر و مادر با تحصیلات پایین یا بیسواد زندگی می کردند و همچنین قریب به اتفاق آنها در مقایسه با نوجوانان عادی دارای تحصیلات پایین بودند که همین امور می تواند فارغ از متغیرهای شخصیتی بر روی بزهکاری این نوجوانان تأثیرگذار باشد.
۹. حسنوند	۳۵۰ نفر از دانش آموزان شهرستان لرستان، ۱۳۹۰	رفتار بزهکارانه نوجوانان	عوامل خانوادگی و اجتماعی	میان دینداری، میزان نظارت والدین بر فرزندان، تعهدات خانوادگی، پایگاه اقتصادی- اجتماعی و تعهدات آموزشگاهی با رفتار بزهکارانه دانش آموزان رابطه معکوس وجود دارد و همچنین نتایج تحقیق بیانگر وجود رابطه مثبت و معنادار بین معاشرت با دوستان بزهکار و رفتار بزهکاری دانش آموزان بود.
۱۰. اسمینگ و همکارانش	۴۷۴ نفر از پترزبورک و ۱۲۸ نفر از هلند، ۲۰۰۷	بزهکاری نوجوانان پسر	ویژگیهای خانوادگی و نظارتی پدر و مادر	نتایج نشان داده که کمبود فعالیتهای منظم و ساختارمند در خانواده، بویژه در دوران بلوغ، یک عامل پیش بینی کننده نیرومند از بزهکاری پسران است. میان پایگاه اقتصادی- اجتماعی و نظارت سختگیرانه با رفتار بزهکارانه پیوندی مشاهده نشد.

۳- روش تحقیق

روش این تحقیق اسنادی و پیمایشی و از نوع توصیفی و تبیینی است. با استفاده از روش اسنادی ابعاد مفهومی و نظری موضوع مورد بررسی قرار گرفته است. تحقیق پیمایشی نیز با انتخاب و مطالعه نمونه‌های منتخب از جامعه کلی به بررسی میزان شیوع، توزیع و روابط متقابل متغیرهای فردی و اجتماعی می‌پردازد (کرلینجر، ۱۳۹۲: ۶۵). در این تحقیق به مطالعه پدیده در بافت طبیعی خود و بدون دستکاری آزمایشی انجام می‌گیرد.

۳-۱- تعاریف مفهومی و عملیاتی متغیرها: به تعاریفی گفته می‌شود که از طریق آن، فعالیت‌های

لازم و اساسی برای اندازه‌گیری یک متغیر، معین و مشخص می‌شود. به‌طور کلی تعریف عملیاتی به تعریفی اطلاق می‌شود که از طریق آن به یک مفهوم یا سازه، با مشخص کردن عملیاتی که برای اندازه‌گیری آن لازم است، معنی داده شود (دلور، ۱۳۸۱: ۴۱).

۳-۱-۱- متغیر وابسته (بزهکاری نوجوانان ۱۸-۱۲ ساله)

بزهکاری: کلیه رفتارهایی که مجموعه قوانین کیفری را نقض کرده باشند. به عبارت بهتر منظور از

بزهکاری ترک انجام وظیفه قانونی یا ارتکاب عمل خطایی است که الزاماً عنوان جرم ندارد، به لحاظ اینکه در تعریف بزهکاری نه تنها به ماهیت عمل ارتكابی (خطا کار) توجه می‌شود، بلکه سن او نیز مبنایی برای شکل‌گیری این واژه می‌باشد، از اینرو شامل جرائم اطفال و نوجوانان می‌شود (معظمی، ۱۳۸۲: ۱۸-۱۷).

بزهکاری نوجوانان ۱۸-۱۲ ساله: بزهکاری به‌عنوان متغیر وابسته نهایی در این تحقیق می‌باشد. منظور از بزهکاری در این پژوهش به نوجوانان بزهکاری اطلاق می‌شود که در زمان انجام پژوهش در کانون اصلاح و تربیت شهرستان گرگان دوره محکومیت خود را می‌گذرانند. در این تحقیق گرایش به بزهکاری در زمینه موضوعاتی چون (نوع جرم، تعداد سابقه، مدت محکومیت، مدت به سر بردن در زندان) مورد سنجش قرار گرفت.

برای سنجش متغیر گرایش به بزهکاری از شاخص‌های: تعداد سابقه، مدت محکومیت، چه مدت در زندان بسر می‌برند در سطح سنجش فاصله‌ای و نوع جرم (با رتبه‌بندی از جرایم پرخطر تا جرایم کم خطر) در سطح سنجش رتبه‌ای استفاده نموده که برای توصیف داده‌ها با استفاده از برنامه SPSS ابتدا دفعات ورود به زندان، مدت دوره محکومیت را دسته‌بندی کرده و تبدیل به داده‌های رتبه‌ای نموده و سپس با ترکیب آن با نوع جرم یک متغیر ترکیبی در سطح سنجش رتبه‌ای و در طیف لیکرت طراحی نموده‌ایم و برای تحلیل داده‌ها مرحله دسته‌بندی متغیر را کنار گذاشته و بایک متغیر فاصله‌ای به‌آزمون فرضیات پرداخته‌ایم.

۳-۱-۲- متغیرهای مستقل

الف: کنترل و نظارت والدین: مجموعه عوامل محسوس و نامحسوسی است که والدین برای حفظ معیارهای خود بکار می‌برند و در واقع نوعی اعمال فشار برای فرزندان برای ایجاد هم‌نواپی و جلوگیری از ناهنجاری‌ها و انحراف‌های رفتاری آنهاست. اینکه والدین تاچه حد رفتار فرزندشان را کنترل می‌کنند (Hirschi, 2009).

منظور از کنترل و نظارت در این پژوهش آنست که بوسیله ۸ گویه در موارد زیر مورد سنجش قرار می‌گیرد.

- والدینم می‌خواستند بدانند که وقتی بیرون می‌روم با چه کسانی رفت و آمد می‌کنم.
- والدینم می‌خواستند بدانند که در زمان اوقات فراغت (بیرون از منزل) کجا و با کی بودم.
- اگر مستقیماً از مدرسه به خانه نمی‌آمدم، والدینم می‌پرسیدند که کجا بودم.
- چه اندازه خانواده‌تان از وضعیت تحصیلی شما مطلع بوده‌اند.
- چه اندازه خانواده‌تان از تفریحات شما در اوقات فراغت مطلع بوده‌اند.
- چه اندازه خانواده‌تان از رفت و آمد شما با دوستانتان مطلع بوده‌اند.

- چه اندازه خانواده‌تان از وضعیت رفتار شما در کوچه و خیابان و مدرسه با خبر بوده‌اند.
- چه اندازه خانواده‌تان از کار خلافی که انجام داده‌اید مطلع بوده‌اند.
- ب: سخت‌گیری والدین: اشاره دارد به میزان ارتباط سرد و غیردوستانه و یک جانبه والدین، که نسبت به فرزند خود ابراز می‌دارند. که بوسیله ۴ گویه زیر مورد سنجش قرار می‌گیرد.
 - بایستی تمام گفته‌های والدینم را بی‌چون و چرا انجام می‌دادم.
 - مرا برای هر موردی سرزنش کرده و به من سرکوفت می‌زدند.
 - والدینم اجازه نمی‌دادند که کارهای دلخواه خودم را انجام دهم.
 - اگر با نظر والدینم مخالفت می‌کردم با من برخورد می‌کردند.
- ج: انحراف یکی از اعضاء خانواده: مجموعه رفتارهایی است که با هنجارهای اجتماعی در عین اعتبار و اجرا مطابقت ندارند و بنابراین در گروه اجتماعی موجب بروز واکنش‌های متنوعی می‌شوند که نظارت اجتماعی خوانده می‌شود. از اینرو انحراف بر اثر نقض مقررات مذهبی، اوامر اخلاقی، رسوم اجتماعی و قواعد قانونی غیرکیفری به بزهکاری می‌رسد که با ۴ گویه زیر سنجیده شد.
 - آیا در بین اعضاء خانواده شما کسی وابستگی به مواد مخدر دارد.
 - آیا سابقه ارتکاب به جرم یا محکومیت در خانواده شما وجود دارد.
 - آیا در بین خانواده شما کسی مشروبات الکلی مصرف می‌کند.
 - آیا والدین شما از هم طلاق گرفته‌اند.
- چ: باورها و اعتقادات مذهبی والدین: اعتقاد به هنجارها و ارزش‌های اخلاقی نظیر احترام به قوانین رسمی جامعه مثل روزه گرفتن، نماز خواندن، مجلد رفتن و غیره و احترام به قوانین غیر رسمی مثل احترام به بزرگترها واجب است که در بین بزهکاران ضعیف است (شریفیان، ۱۳۸۱: ۵۴). که بوسیله ۸ گویه مورد سنجش قرار گرفت.
 - به نظر شما والدینتان چقدر به احکام و اصول دینی مطلع هستند.
 - به نظر شما والدینتان چقدر به انجام فرائض دینی مقید هستند.
 - چقدر والدینتان شما را در انجام فرائض دینی تشویق می‌کردند.
 - خانواده شما چه میزان به گرفتن روزه اهمیت می‌دادند.
 - خانواده شما چه میزان به خواندن نماز اهمیت می‌دادند.
 - خانواده شما چه میزان به شرکت در مراسم مذهبی اهمیت می‌دادند.
 - خانواده شما چه میزان به خواندن قرآن اهمیت می‌دادند.
 - خانواده شما چه میزان به دروغ نگفتن اهمیت می‌دادند.

ح: روابط اعضای خانواده: منظور از روابط اعضای خانواده یعنی اینکه فرد چه ارتباطاتی با خانواده خود دارد و در گروه بزهکاران نشان می‌دهند که روابط اعضای خانواده با هم کم بوده و زمینه بروز بزهکاری را در آنها افزایش می‌دهد.

که این متغیر بوسیله ۴ گویه مورد سنجش قرار گرفت.

- رابطه پدرتان با شما در خانه و بیرون چگونه بوده است.
- رابطه مادرتان با شما در خانه و بیرون چگونه بوده است.
- رابطه برادرتان با شما در خانه و بیرون چگونه بوده است.
- رابطه خواهرتان با شما در خانه و بیرون چگونه بوده است.

خ: احساس طرد شدن از سوی خانواده: احساس طرد شدن از سوی خانواده زمانی وجود خواهد آمد که فرد هنجارهای موجود را رعایت نکرده و همین عامل باعث جدایی وی با دیگران شده و زمینه کناره‌گیری جمعی در فرد پیدا می‌شود.

بدین ترتیب این متغیر بوسیله ۵ گویه ذیل مورد پرسش و سنجش قرار گرفت.

- والدینم نسبت به من بی‌اعتنا هستند.
- خانواده به چشم یک خلافکار به من نگاه می‌کند.
- در خانه، کسی به من اعتماد ندارد.
- در خانه، کسی به من احترام نمی‌گذارد.
- در خانه، هر اتفاقی می‌افتد به گردن من می‌اندازند.

د: گسیختگی خانواده نوجوانان: یعنی اینکه بحران خانواده به شکل‌های خشونت، بزهکاری، طلاق والدین، فوت والدین، روابط نابرابر و رفتار نامناسب اولیاء با فرزندان به چشم می‌خورد (شیخی، ۱۳۸۰: ۸۰) که بوسیله ۹ گویه مورد سنجش قرار گرفت.

- تا چه حد در خانه از سوی والدین و سایر اعضای خانواده مورد ضرب و شتم قرار گرفته‌اید.
- تا چه حد پدر و مادر شما خانواده را ترک (موقت) کرده‌اند.
- در خانه چقدر بین پدر و مادرتان مشاجره لفظی پیش آمده‌است.
- در خانه چقدر بین پدر و مادرتان درگیری و کتک کاری پیش آمده‌است.
- در زندگی به مواردی که می‌خواستیم نرسیدیم.
- علت اینکه کار من به اینجا رسیده، این است که نتوانستم درست و حسابی درس بخوانم.
- من در زندگی راهی جز خلاف کردن نداشتم.

- والدینم آنقدر گرفتار بودند که وقت نداشتند به حرف‌های من گوش دهند.

اعتبار و روایی: برای تعیین اعتبار، از تکنیک اعتبار صوری استفاده شد. شیوه عمل بدین گونه بوده که ابتدا ابزار مورد استفاده در اختیار افراد متخصص و آسیب شناسان اجتماعی و آشنا با مفاهیم تحقیق قرار گرفته و سپس با مراجعه به نمونه مورد مطالعه و شناسایی نقاط قوت و ضعف ابزار مورد نظر، با لحاظ نمودن دیدگاه‌های کارشناسان و افراد مطلع، پرسشنامه نهایی تنظیم گردید.

جهت تعیین پایایی ابزار از روش آزمون آلفای کرونباخ استفاده گردید. روش آلفای کرونباخ برای محاسبه همسانی و هماهنگی درونی پرسشنامه یا آزمون‌هایی که خصیصه‌های مختلف را اندازه‌گیری می‌کنند به‌کار می‌رود.

جدول ۲: نتایج آزمون آلفای کرونباخ برای ابزار سنجش

متغیرها	تعداد آیتم	قابلیت اعتماد
کنترل و نظارت والدین	۸	۰.۷۴۷
سخت‌گیری والدین	۴	۰.۷۹۹
باورها و اعتقادات مذهبی والدین	۸	۰.۷۶۱
روابط اعضای خانواده	۴	۰.۷۵۲
احساس طرد شدن از سوی خانواده	۵	۰.۸۳۶
گسیختگی خانواده نوجوانان	۹	۰.۸۶۳

۳-۳- جامعه آماری، نمونه آماری و روش جمع‌آوری اطلاعات

جامعه آماری مورد نظر این پژوهش عبارتند از کلیه نوجوانان (پسر) بزهکاری که در زمان انجام تحقیق در کانون اصلاح و تربیت شهرستان گرگان نگهداری می‌شوند که به تعداد ۵۸ نفر می‌باشند.

با توجه به پایین بودن حجم جامعه آماری عملاً امکان استفاده از روش‌های نمونه‌گیری مقدور نمی‌باشد، لذا محقق در این تحقیق از کل شماری (نوجوانان بزهکار کانون اصلاح و تربیت شهرستان گرگان) استفاده نمود. به عبارت دیگر کلیه نوجوانان بزهکاری که در زمان انجام تحقیق در کانون اصلاح و تربیت گرگان به سر می‌برند، نمونه این پژوهش را تشکیل داده و مورد آزمون قرار گرفتند. حجم نمونه برابر با ۵۸ نفر می‌باشد. واحد تحلیل نیز در این پژوهش فرد بوده و واحد مشاهده فرد بزهکار است. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از نرم افزار spss استفاده شده است.

۳-۴- فرضیات تحقیق

۱. به نظر می‌رسد بین انحراف یکی از اعضای خانواده نوجوان و گرایش به بزهکاری رابطه معناداری

وجود دارد.

۲. به نظر می‌رسد بین گسیختگی خانواده نوجوان و گرایش به بزهکاری رابطه معناداری وجود دارد.
۳. به نظر می‌رسد بین باورها و اعتقادات مذهبی خانواده نوجوان و گرایش به بزهکاری رابطه معناداری وجود دارد.
۴. به نظر می‌رسد بین کنترل و نظارت والدین نوجوانان و گرایش به بزهکاری رابطه معناداری وجود دارد.
۵. به نظر می‌رسد بین سختگیری والدین نوجوانان و گرایش به بزهکاری رابطه معناداری وجود دارد.
۶. به نظر می‌رسد بین احساس طرد شدن از سوی خانواده نوجوانان و گرایش به بزهکاری رابطه معناداری وجود دارد.
۷. به نظر می‌رسد بین روابط اعضای خانواده با نوجوانان و گرایش به بزهکاری رابطه معناداری وجود دارد.

۴- تجزیه و تحلیل داده‌ها

۴-۱- تجزیه و تحلیل توصیفی

در این قسمت متغیرهای زمینه‌ای از قبیل: سن؛ سطح تحصیلات و محل سکونت مورد توصیف قرار می‌گیرند.

جدول ۳: توزیع یک بعدی فراوانی و درصد فراوانی سن؛ سطح تحصیلات و محل سکونت

متغیرها	سن					محل سکونت		سطح تحصیلات			
	۱۴ ساله	۱۵ ساله	۱۶ ساله	۱۷ ساله	۱۸ ساله	شهر	روستا	بی- سواد	ابتدایی	راهنمایی	متوسطه
فراوانی	۵	۷	۱۵	۱۹	۱۲	۳۹	۱۹	۶	۱۲	۲۲	۱۸
درصد فراوانی	٪۸	٪۱۲	٪۲۶	٪۳۳	٪۲۱	٪۶۷.۲	٪۳۲.۸	٪۱۰.۳	٪۲۰.۷	٪۳۷.۹	٪۳۱.۱

جدول ۳ توصیف کننده‌ی متغیرهای وضعیت سن؛ محل سکونت و سطح تحصیلات پاسخگویان است. نتایج حاصل از داده‌های پژوهش حاضر نشان دهنده‌ی آنست که از کل پاسخگویان که ۵۸ نفر بودند بر حسب سن: ۵ نفرشان (۸ درصد) ۱۴ ساله، ۷ نفرشان (۱۲ درصد) ۱۵ ساله، ۱۵ نفرشان (۲۶ درصد) ۱۶ ساله، ۱۹ نفرشان (۳۳ درصد) ۱۷ ساله و ۱۲ نفرشان (۲۱ درصد) ۱۸ ساله بودند. بر حسب محل سکونت: ۳۹ نفرشان (۶۷.۲ درصد) شهری و ۱۹ نفرشان (۳۲.۸ درصد) روستایی، بر حسب میزان تحصیلات ۶ نفرشان (۱۰.۳ درصد) بی‌سواد، ۱۲ نفرشان (۲۰.۷ درصد) ابتدایی، ۲۲ نفرشان (۳۷.۹ درصد) راهنمایی و ۱۸ نفرشان (۳۱.۱ درصد) متوسطه بودند که نشان دهنده‌ی بالاتر بودن نمای تعداد بیشتر ساکنین شهری، ۱۷ ساله‌ها و سطح تحصیلی راهنمایی پاسخگویان تحقیق هست.

۴-۲- تجزیه و تحلیل استنباطی

خانواده، نخستین و شاید مهم ترین گروه اجتماعی است که فرزندان با آن روبرو می‌شوند و پس از عضویت در آن، فراگردی از یادگیری هنجارهای اجتماعی را آغاز می‌کنند. به این ترتیب، خانواده افزون بر رفع حوائج جسمانی و روانی فرزند، به او می‌آموزد که چگونه در جامعه رفتار کرده و چه کارهایی را انجام دهد و از انجام دادن چه کارهایی پرهیز کند. روابط خانوادگی به معنای وسیع عاطفی و پراحساسش از آغاز تاریخ بشریت برای اعضای جامعه‌امری روشن و مشخص بوده‌است. بنابراین می‌توان گفت اهمیت موضوع مورد بحث بدین جهت است که «خانواده» در تربیت و پرورش افراد نقش اولیه و اساسی دارد و هر گونه نارسایی در عملکرد خانواده تأثیرات نامطلوبی در بهنجار نمودن فرزندان می‌گذارد. بر همین اساس خواه کانون خانوادگی جرم‌زا باشد یا اینکه تمایلات مجرمانه را مهار نماید بر حسب موقعیت زمانی و مکانی، روزه روز بر اهمیت آن افزوده می‌شود. اداره کانون‌های اصلاح و تربیت، مخصوص کودکان و نوجوانان و هزینه‌های مربوط به آنها باری به دوش بودجه هر کشور است در صورتی که راه‌های پیشگیری این معضل را شناخته و از کثرت کودکان و نوجوانان کاسته شود و قسمت اعظم این بودجه را می‌توان طرف آموزش و پرورش و تربیت عملی و علمی این افراد کرد که سرمایه‌گذاری بسیار خوبی برای آینده آنان خواهد بود.

جدول ۴: نتایج آزمون کای اسکوتر در زمینه رابطه انحراف یکی از اعضای خانواده نوجوانان و گرایش به بزهکاری

متغیر وابسته	متغیر وابسته	مقدار کای اسکوتر	درجه آزادی	سطح معناداری
انحراف یکی از اعضای خانواده	گرایش به بزهکاری	۱۷.۸۱۹	۴	۰.۰۰۱

جدول ۵: نتایج آزمون همبستگی پیرسون بین متغیرهای مستقل (گسیختگی خانوادگی، باورها و اعتقادات مذهبی، کنترل و نظارت والدین، سختگیری والدین، طرد نوجوان از طرف خانواده و روابط اعضای خانواده) با متغیر وابسته

(گرایش به بزهکاری)

متغیرهای مستقل	ضریب پیرسون	متغیر وابسته	سطح معنی داری Sig
گسیختگی خانوادگی	۰.۵۲۰	متغیر وابسته	۰.۰۰۰
باورها و اعتقادات مذهبی	-۰.۲۷۱	متغیرهای مستقل	۰.۰۴۴
کنترل و نظارت والدین	-۰.۲۹۸	متغیرهای مستقل	۰.۰۲۵
سختگیری والدین	۰.۰۸۰	متغیرهای مستقل	۰.۵۵۶
طرد نوجوان از طرف خانواده	-۰.۱۷۵	متغیرهای مستقل	۰.۲۸۴
روابط اعضای خانواده	-۰.۳۳۹	متغیرهای مستقل	۰.۰۱۱

جدول ۶: نتایج آزمون تحلیل رگرسیون چند متغیره درباره عوامل خانوادگی مؤثر گرایش به بزهکاری

Sig	S.E	Adjusted R Square	R Square	R	روش ورود متغیرها
0.000	0.66471	0.30	0.35	0.589	Stepwise

با توجه به مقدار **Beta** در جدول شماره ۶ متغیرهای گسیختگی خانوادگی، باورها و اعتقادات مذهبی، کنترل و نظارت والدین و روابط اعضای خانواده بر گرایش به بزهکاری نوجوانان تأثیر معناداری داشته‌اند.

در این تحقیق ضریب تعیین برابر ۰.۳۵ بدست آمده است. این یافته بدین معناست که متغیرهای مستقل تحقیق توانسته‌اند که ۰.۳۵ درصد از تغییرات مربوط به متغیر وابسته را تبیین نمایند. ضریب تعیین تعدیل یافته که مربع همبستگی تعدیل شده را نشان می‌دهد در این تحقیق برابر با ۰.۳۰ می‌باشد. این معیار نسبت به ضریب تعیین حقیقی‌تر است، زیرا الزاماً با افزایش متغیرهای مستقل افزایش نمی‌یابد. سطح معناداری مربوط به تحلیل واریانس رگرسیون، به منظور بررسی قطعیت وجود رابطه خطی بین متغیرهاست، در تحقیق حاضر مقدار آن برابر با صفر شده است که کمتر از ۰.۰۵ می‌باشد بنابراین فرض خطی بودن مدل رگرسیون تأیید می‌شود (جدول ۶).

۵- بحث و نتیجه‌گیری

نتایج این بررسی با نتایج تحقیقات نوری (۱۳۸۹)، کاهنی و همکارانش (۱۳۷۹) مبنی بر مؤثر بودن متغیر گسیختگی خانواده بر بزهکاری، همخوانی دارد درخصوص توجیه نتایج بررسی حاضر می‌توان اظهار داشت که اکثر ناراحتی‌های نوجوانان زاییده محیط آشفته خانوادگی است. خانواده‌هایی که والدین آن به‌طور مداوم در حال جنگ و ستیزند و برای یکدیگر احترام قائل نیستند، گذشته از تأثیر نامطلوبی که در اثر تقلید و همانندسازی بر فرزندان خود می‌گذارند، بدترین محیط روانی آنها را فراهم می‌آورند، بنابراین نوجوانان به دلیل عدم احساس آرامش و امنیت روانی بیشتر اوقات خود را در خارج از محیط خانوادگی می‌گذرانند و راحت‌تر در دام‌هایی که در بیرون از خانه منتظر آنهاست گرفتار می‌آیند.

یکی دیگر از عوامل خانوادگی، روابط اعضای خانواده با نوجوان است نتایج این بررسی با نتایج تحقیقات سیف (۱۳۷۹)، رئیسی (۱۳۸۴) مبنی بر مؤثر بودن متغیر روابط اعضای خانواده در گرایش به بزهکاری نوجوانان همخوانی دارد. اکثر نوجوانان بزهکار در خانواده‌هایی هستند که از روابط ضعیفی برخوردار بوده و ارتباط مناسبی بین والدین و فرزندان وجود ندارد. آنچه مسلم است دوستی و محبت در

خانواده برای رشد عواطف در هر دوره بال‌آنحص دوره نوجوانی اهمیت زیادی دارد و چنانچه نوجوان از آن محروم باشد، تعادل روانیش مختل می‌گردد و عواقب نامطلوبی از جمله انحرافات اخلاقی به دنبال دارد. یکی دیگر از عوامل خانوادگی، کنترل و نظارت والدین نوجوان است نتایج این بررسی با نتایج تحقیقات جنگوک (۱۳۸۸)، حسینی و یکه کار (۱۳۹۰)، حسونند (۱۳۹۰) مبنی بر مؤثر بودن متغیر کنترل و نظارت والدین در گرایش نوجوانان به بزهکاری همخوانی دارد. بیشتر نظریه پردازان معتقدند، خانواده‌هایی که بر اعمال فرزندان خود نظارت ندارند و کمتر مقررات و استانداردهای مشخصی در قبال رفتارهای غیرقابل قبول آنها وضع و از برخورد قاطعانه در مقابل رفتارهای خلاف فرزندان خود پرهیز می‌کنند، زمینه‌های کجروی را مساعد می‌کنند. نداشتن کنترل بر دوست‌گزینی و رفت و آمد نوجوان در خارج از خانه و نحوه گذراندن اوقات فراغت نوجوان که موجب تماس بیشتر وی با خلافکاران می‌شود از این مقوله است.

یکی دیگر از عوامل خانوادگی، باورها و اعتقادات مذهبی خانواده نوجوان است، نتایج این بررسی با نتایج مذهبی خانواده در گرایش نوجوانان به بزهکاری همخوانی دارد. به این معنا که هرچه میزان اعتقادات و پایبندی در خانواده به مسائل شرعی کمتر و ضعیف‌تر باشد، نوجوانان بیشتر در معرض ارتکاب به بزهکاری قرار می‌گیرند. بدیهی است وجود زمینه‌های مذهبی و دینی در یک خانواده باعث ارضای روحی و روانی اعضای خانواده و ایجاد آرامش در مقابل بسیاری از کاستی‌ها و مشکلات موجود در خانواده می‌گردد و در نتیجه نوجوانان را در مقابل بسیاری از لغزش‌ها، بلندپروازی‌ها و نابهنجاری‌های اجتماعی حفظ می‌کند.

یکی دیگر از عوامل خانوادگی، انحراف یکی از اعضای خانواده نوجوان است نتایج این بررسی با نتایج تحقیقات نوری (۱۳۸۹)، حسینی و یکه کار (۱۳۹۰) مبنی بر مؤثر بودن متغیر انحراف یکی از اعضای خانواده در گرایش به بزهکاری نوجوانان همخوانی دارد. وجود انحراف یکی از اعضای خانواده از قبیل اعتیاد و مواردی که منجر به حبس والد در زندان شده است. این عامل نیز تأثیر خود را از طریق کاهش کنترل و نظارت، عدم ارضای نیازهای عاطفی نوجوان در این سنین و از طرفی از طریق فرایند یادگیری الگوهای انحرافی در محیط خانه و خانواده از طریق والد منحرف، منجر به گرایش نوجوان به بزهکاری می‌شود. یکی دیگر از عوامل خانوادگی، سختگیری والدین نوجوان است نتایج این بررسی با نتایج تحقیقات اسمینگ و همکارانش (۲۰۰۷) مبنی بر عدم رابطه بین متغیر سختگیری والدین و گرایش به بزهکاری همخوانی دارد بدین معنی هیچ رابطه‌ای بین سختگیری والدین و گرایش به بزهکاری نوجوانان وجود ندارد (علیوردی و ورمزیار، ۱۳۹۰).

بررسی نشان داد که عوامل خانوادگی در گرایش نوجوانان به بزهکاری به شکل زیر تأثیرگذار بود. از میان عوامل خانوادگی: گسیختگی خانواده، روابط اعضای خانواده، کنترل و نظارت والدین، باورها و اعتقادات مذهبی خانواده و انحراف یکی از اعضای خانواده با گرایش نوجوانان به بزهکاری رابطه معناداری دارند، اما میان سختگیری والدین و احساس طرد شدن از سوی خانواده با گرایش نوجوانان به بزهکاری رابطه معناداری مشاهده نشد.

در ذیل به بیان نتایج محاسبات می‌پردازیم.

فرضیه اول: «به نظر می‌رسد بین انحراف یکی از اعضای خانواده نوجوان و گرایش به بزهکاری رابطه معنادار وجود دارد». نتایج حاصل از آزمون کای اسکوتر فرضیه فوق نشان می‌دهد که بین انحراف یکی از اعضای خانواده و گرایش به بزهکاری نوجوان با مقدار ۱۷.۸۱۹ با درجه آزادی ۴ و سطح معنی‌داری ۰.۰۰۱، رابطه معنی‌داری وجود دارد. (جدول شماره ۴). ساترلند و کرسی به این نتیجه رسیدند که بزهکاران در خانواده‌هایی رشد می‌کنند که در وضعیت غیرعادی هستند و در آنها الگوهای بزهکارانه ارائه می‌شود. بنابراین به اعتقاد ساترلند بزهکاری محصول یادگیری است و از طریق تعامل با دیگران آموخته می‌شود. کلینزر عنوان می‌کند تعامل با بزهکاران وقتی به حدی برسد که فرد خود را با بزهکاران یا کج رفتاران یکی بداند و از آنها هویت بگیرد باعث بزهکاری می‌شود. برگس و ایکرز نیز ارتباط با بزهکاران یا وجود افراد منحرف در خانواده را با دخالت متغیرسوم یعنی تقویت افتراقی در محیط پیوند افتراقی، علت اصلی بزهکاری می‌دانند.

به اعتقاد بلومر عمل انحرافی دیگران و تماس با افراد کجرو روی کنش فرد تأثیر منفی دارد. هال نیز در بخشی از نظریات خود عنوان می‌کند که بین فساد و مجرمیت در خانواده و بزهکاری نوجوانان رابطه مثبتی وجود دارد و بیان می‌دارد مجرم بودن پدر از طریق کاهش نظارت و سرپرستی کودک باعث مجرمیت کودک می‌گردد.

بنابراین داده‌های حاصل از این پژوهش نظریات فوق را تأیید می‌کند. بدین معنی که زمانی که انحراف در میان یکی از اعضای خانواده بزهکار وجود داشته باشد گرایش به بزهکاری هم در نوجوان بیشتر می‌شود.

فرضیه دوم: «به نظر می‌رسد بین گسیختگی خانواده نوجوان و گرایش به بزهکاری رابطه معناداری وجود دارد».

نتایج حاصل از آزمون فرضیه فرضیه فوق نشان دهنده‌ی اینست که بین گسیختگی خانواده نوجوان و گرایش به بزهکاری با ضریب همبستگی ۰.۵۲۰ و سطح معناداری ۰.۰۰۰، رابطه مثبت و معناداری وجود

دارد. بدین معنی که هرچه خانواده نوجوان از هم گسیخته‌تر باشد میزان گرایش نوجوان به بزهکاری بیشتر می‌شود (جدول شماره ۵).

ویلیام گود معتقد است که خانواده کانون و هسته اصلی تشکل اجتماعی و به عنوان یک سیستم کوچک اجتماعی است زیرا بنای جامعه بزرگتری را فراهم می‌کند، هنجارها و ارزش‌های حاکم بر آن بر تک تک افراد تأثیر قطعی دارند و هرگونه ازهم گسیختگی در نهاد خانواده در بروز شخصیت کج رو و بزهکار مؤثر است و به این نتیجه می‌رسیم که این فرضیه در این تحقیق با نظریه فوق همسو می‌باشد.

فرضیه سوم: «به نظر می‌رسد بین باورها و اعتقادات مذهبی خانواده نوجوان و گرایش به بزهکاری رابطه معناداری وجود دارد». نتایج حاصل از آزمون فرضیه فوق نشان می‌دهد که بین باورها و اعتقادات مذهبی خانواده نوجوان و گرایش به بزهکاری با ضریب همبستگی -0.271 و سطح معنی داری 0.044 ، رابطه معکوس و معناداری وجود دارد. بدین معنا که هرچه باورها و اعتقادات مذهبی خانواده نوجوان بیشتر باشد میزان گرایش به بزهکاری در آنان کمتر است (جدول شماره ۵). بنا بر نظریه آنومی، دورکیم معتقد است که باورها و اعتقادات مذهبی در ارتباط با بازدارندگی از بزهکاری نقش دارند و همچنین بزهکاری را ناشی از ستیز هنجارها و گاهی ناشی از فقدان و یا ضعف هنجارها می‌داند و با این تفاسیر به این نتیجه می‌رسیم که این فرضیه در این تحقیق با نظریه فوق همسو می‌باشد.

فرضیه چهارم: «به نظر می‌رسد بین کنترل و نظارت والدین نوجوانان و گرایش به بزهکاری رابطه معناداری وجود دارد». نتایج حاصل از آزمون فرضیه فوق نشان دهنده‌ی اینست که بین کنترل و نظارت والدین نوجوانان و گرایش به بزهکاری با ضریب همبستگی -0.298 و سطح معنی داری 0.025 رابطه معکوس و معناداری وجود دارد. بدین معنی که هرچه کنترل والدین بر فرزندان کمتر باشد میزان گرایش آنان به بزهکاری بیشتر می‌شود (جدول شماره ۵). نظریه پردازان کنترل اجتماعی فرض می‌کنند که یک نظام هنجاری وجود دارد و از این نظام است که انحرافات ناشی می‌شوند و اینکه اکثر مردم با ارزش‌های مسلط و حاکم هم‌نوا هستند، علتش وجود کنترل‌های درونی و بیرونی است. نظریه کنترل اجتماعی، تبیین رفتارهای انحرافی را با این انگاره آغاز می‌کند که انگیزه‌ی رفتارهای کجروانه، بخشی از ماهیت انسان است. به بیان دیگر انسان بطور ذاتی کجرو است و اگر امیال و آرزوهایش محدود نشود، بطور طبیعی ممکن است به انحراف کشیده شود. ایوان نای معتقد است که مهمترین عامل رفتار بزهکارانه، ناکافی بودن کنترل اجتماعی است، و می‌گوید؛ خانواده مهمترین منبع کنترل اجتماعی برای نوجوانان است و از طریق کنترل‌های مستقیم (تشویق و تنبیه) و درونی شده (ضمیر خودآگاه) در هم‌نوایی اعضای خود با هنجارهای جامعه نقش بسزایی دارد و هرچه روابط بین اعضای خانواده بهتر باشد احتمال بروز فعالیت‌های بزهکارانه کمتر است.

هیرشی نقش متغیرهای خانوادگی را برجسته می‌سازد او می‌گوید کسی که علقه‌ی اجتماعی محکمی به گروه‌های اجتماعی نظیر خانواده و مدرسه دارد، به احتمال کمتری دست به اعمال بزهکارانه می‌زند. وی استدلال می‌ورزد که هرچه فرد به خانواده و محیط خانوادگی، بیشتر احساس وابستگی کند، احتمال کجرویش کمتر خواهد بود؛ هرچه تعهدات اجتماعیش بیشتر باشد، به احتمال کمتری به رفتارهای ناهنجار دست خواهد زد و هر چه در فعالیت‌های اجتماعی، اقتصادی و غیره جامعه درگیرتر و مشغول‌تر باشد، فرصت کمتری برای پرداختن به رفتارهای ناهنجار خواهد داشت. بنابراین هیرشی معتقد است هر چه میزان کنترل بیشتر باشد، بزهکاری کمتر است.

جان بریتویت هم معتقد است خانواده و جامعه از طریق شرم‌نده‌سازی، رفتار نوجوان را کنترل می‌کند. رکلز ضعف عوامل درونی و بیرونی را منتهی به افزایش جرم در میان نوجوانان می‌داند. ویلیامزهاال در تحقیقات خود نشان داده که افزایش کنترل و نظارت در محیط خانواده در کاهش بزهکاری مؤثر است. بنابراین این پژوهش توانسته است نظریه‌های فوق را در رابطه با تأثیر این متغیر بر بزهکاری نوجوانان مجدداً تأیید نماید.

فرضیه پنجم: «به نظر می‌رسد بین سختگیری والدین نوجوانان و گرایش به بزهکاری رابطه معنی داری وجود دارد».

نتایج حاصله از آزمون فرضیه فوق بیانگر اینست که بین سختگیری والدین نوجوانان و گرایش به بزهکاری با ضریب همبستگی 0.080 و سطح معنی داری 0.056 رابطه معناداری وجود ندارد (جدول شماره ۵).

نای در بخشی از نظریه خود معتقد است که وجود شرایط سخت یا سختگیری در خانواده ممکن است باعث تنش‌هایی گردد که سطح تعلق دلبستگی اعضای خانواده را کاهش دهد که یکی از اثرات این کاهش دلبستگی، کاهش صمیمیت و مهر و محبت به یکدیگر است.

اگر والدین تصویر ذهنی صحیحی از میزان کنترل لازم بر فرزندان داشته باشند، بطوری که نه با سخت‌گیری بیش از حد و فرافکنی عقده‌های دوران کودکی خویش بر نوجوان توان تفکر مستقل را از او بگیرند و نه با بی‌تفاوتی و بی‌توجهی به اتفاقات روزمره، وضعیت تحصیلی و روابط اجتماعی او، نوجوان را به حال خود رها سازند، می‌توانند از ابزار نظارت اجتماعی خانواده به عنوان عامل بازدارنده‌ی بزهکاری استفاده کنند (حسینی و یکه کار، ۱۳۹۰: ۱۱۲).

استفاده از جبر و فشار، برای همونوا کردن فرزندان با خانواده ممکن است کودک را به تسلیم وادار و یا اینکه استقلالی توأم با سرکشی در او رشد کند. کودکانی که در این شرایط زندگی می‌کنند معمولاً ساکت، خجالتی و از نظر ایجاد روابط اجتماعی با مشکل روبرو هستند. کودکان خانواده‌های سختگیر بیش

از آنکه علاقمند به نوآوری و خلاقیت باشند، با دیگران هم‌رنگ می‌شوند. کودکی که از نظر عاطفی ارضاء نشده باشد، پرخاشگر و ایسته به دیگران، گوشه‌گیر و فعل‌پذیر می‌شود. اگر والدین به جای اعمال فشار بر کودکان خود، کودک را آنطور که هست بپذیرند، این پذیرش و صمیمیت در تصویری که کودک در مرحله اول زندگی خود بدست می‌آورد بسیار مؤثر است. قبول کودک به معنای قبول احساسات او نیز هست.

ویلیامزهاال نیز در تحقیقات خود نشان داد؛ کشش یا فشار در خانواده که با سختگیری، خصومت، تنفر، عصبانیت، آزرده‌گی، پرخاشگری، اختلالات روانی، آشفتگی عاطفی بوجود آمده و حفظ شده، در هر دوی والدین و فرزندان آشکار می‌شود، عامل تعیین‌کننده‌ی بزهکاری نوجوانان است. بنابراین این فرضیه در این تحقیق با نظریات فوق همسو نبوده و این نظریات را تأیید نمی‌کند.

فرضیه ششم: «به نظر می‌رسد بین احساس طرد شدن از سوی خانواده نوجوانان و گرایش به بزهکاری رابطه معنادار وجود دارد». نتایج حاصل از آزمون فرضیه فوق نشان دهنده‌ی اینست که بین احساس طرد شدن از سوی خانواده نوجوانان و گرایش به بزهکاری با ضریب همبستگی 0.175 - و سطح معنی داری 0.284 ، رابطه معناداری وجود ندارد (جدول شماره ۵).

بر اساس تئوری دورکیم، اگر بی‌هنجاری اجتماعی افزایش یابد و هنجارها و قواعد رفتار در جامعه دچار ستیز و از هم گسیختگی شوند و یا اینکه فرد بر اثر فقدان هنجارها و الگوهای رفتار، دچار سرگشتگی و پریشانی شود و بر اثر چنین حالاتی احساسات جمعی تضعیف شود و ضمانت اجرایی خود را از دست بدهد بزهکاری‌هایی از قبیل سرقت، فحشاء و غیره افزایش می‌یابد. براساس این تئوری بین فردگرایی و افزایش بزهکاری رابطه وجود دارد یعنی اگر همبستگی اجتماعی در اثر از هم گسیختگی و انفکاک بین اعضای خانواده ضعیف شود و اعضاء خانواده خوب جامعه‌پذیر نشده باشند، نمی‌توانند خود را همراه و همساز با اعتقادات و اخلاقیات و عقاید و قواعد پذیرفته‌شده جامعه بنمایند و احتمال اینکه دچار بزهکاری شوند بسیار است.

بنابراین این فرضیه در این تحقیق با نظر فوق همسو نبوده و این نظریه را تأیید نمی‌کند.

فرضیه هفتم: «به نظر می‌رسد بین روابط اعضای خانواده با نوجوانان و گرایش به بزهکاری رابطه‌ی معناداری وجود دارد». نتایج حاصل از آزمون فوق نشان می‌دهد که بین روابط اعضای خانواده با نوجوانان و گرایش به بزهکاری با ضریب همبستگی 0.339 - و سطح معنی داری 0.011 رابطه‌ی معکوس و معناداری وجود دارد. بدین معنی که هرچه روابط اعضای خانواده با نوجوانان بزهکار خصمانه‌تر باشد، میزان گرایش به بزهکاری در میان آنان بیشتر است (جدول شماره ۵).

به نظر بلومر، واکنش افراد انسانی در مقابل اشیاء براساس معنای آنها صورت می‌گیرد. هرکدام از افراد در برخورد و در کنش با دیگری، کاری را که آن دیگری انجام می‌دهد ارزیابی می‌کنند و سپس سعی

می‌کنند رفتار و وضعیت خود را براساس ارزیابی خود از کنش دیگران جهت یا تغییر دهند. کنش‌های دیگران در شکل دادن کنش‌های آنان تأثیر می‌گذارد و بر اثر کنش دیگران ممکن است فرد وضعیت خود را رها کرده و در آن تجدید نظر کند، بنابراین رفتار دیگران در عمل فرد حضور دارد و در طریقی که فرد بر کنش خود ترسیم نموده است مؤثر واقع می‌گردد و با این تفاسیر به این نتیجه می‌رسیم که این فرضیه در این تحقیق با نظریه فوق همسو می‌باشد.

فهرست منابع

۱. اسماعیلی، علیرضا، (۱۳۸۹)، علل جامعه‌شناختی بزهکاری نوجوانان در استان گلستان، فصلنامه تخصصی جامعه‌شناسی مطالعات جوانان، دانشگاه آزاد اسلامی واحد بابل، سال اول، شماره دوم.
۲. بارانی، علی اکبر تاتار، (۱۳۹۰)، بررسی مقایسه‌ای ویژگی‌های خانوادگی و فردی نوجوانان بزهکار و غیربزهکار شهر زاهدان، ماهنامه اصلاح و تربیت، سال دهم، شماره ۱۸.
۳. توسلی، غلامعباس، (۱۳۷۰)، نظریه‌های جامعه‌شناسی، انتشارات سمت، تهران، چاپ دوم.
۴. تنهایی، ابوالحسن، (۱۳۷۱)، درآمدی بر مکاتب و نظریه‌های جامعه‌شناسی، نشر مرندیز، مشهد، چاپ اول.
۵. جواهری، مرضیه (۱۳۸۸)، ارتباط اقتصاد خانواده و بزهکاری دریافته‌های جرم‌شناسی و آموزه‌های دینی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم اجتماعی علامه.
۶. جنگوک، نیما (۱۳۸۸)، بررسی تأثیر خانواده بر رفتار نوجوانان شهر تهران مطالعه موردی ارتباط بزهکاران نوجوانان با عملکرد خانوادگی آنها، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران.
۷. حسینی، احمد و یکه کار، شیرین، (۱۳۹۰)، بررسی مقایسه‌ای عوامل خانوادگی مؤثر بر بزهکاری دختران نوجوان شهر تهران، فصلنامه پژوهش اجتماعی، سال چهارم، شماره دوازدهم، پاییز ۹۰.
۸. حسونود، اسماعیل و حسونود، احسان، (۱۳۹۰)، بررسی عوامل خانوادگی و اجتماعی مؤثر بر رفتار بزهکارانه دانش‌آموزان شهرستان سلسله استان لرستان، فصلنامه مطالعات جوانان، سال دوم، شماره دوم.
۹. دلاور، علی، (۱۳۸۱)، روش تحقیق در روانشناسی و علوم تربیتی، نشر ویرایش، چاپ پانزدهم.
۱۰. رئیسی، جمال، (۱۳۸۲)، جوانان و ناهنجاری‌های رفتاری، فصلنامه علوم اجتماعی، شماره ۲۱.
۱۱. رئیسی، ابوالقاسم، (۱۳۸۴)، بررسی نقش خانواده در پیشگیری از بزهکاری، فصلنامه دانش انتظامی، شماره اول، سال هفتم.

۱۲. ستوده، هدایت الله، (۱۳۸۴)، آسیب شناسی اجتماعی (جامعه شناسی انحرافات)، انتشارات آوای نور، چاپ سیزدهم.
۱۳. سامانی، سیامک و بهمنش، زهرا، (۱۳۸۹)، مقایسه فرایندها و کنش های خانواده در نوجوانان عادی و بزهکار، فصلنامه مطالعات امنیت اجتماعی، شماره ۲۳.
۱۴. شیخی، محمد تقی، (۱۳۸۰)، جامعه شناسی زنان و خانواده، تهران، شرکت سهامی انتشار.
۱۵. شریفیان، سعید، (۱۳۸۸)، بررسی عوامل اجتماعی مؤثر بر جرم در زنان زندانی زندانهای استان گلستان، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد رودهن.
۱۶. صدیق، رحمت الله، (۱۳۸۹)، آسیب شناسی اجتماعی (جامعه شناسی انحرافات)، تهران، انتشارات سمت، چاپ ششم.
۱۷. صدیق، رحمت الله، (۱۳۶۸)، تحلیل نظریه های مربوط به کجروی های اجتماعی، دانشگاه تهران، فصلنامه علمی - پژوهشی دانشکده علوم تربیتی، سال یازدهم، شماره ۱ و ۲.
۱۸. علیوردی، اکبر و ورزیار، مهدی، (۱۳۹۰)، نقش ساختارها و فرایندهای درون خانواده در بزهکاری دانش آموزان، ماهنامه اطلاعات سیاسی - اقتصادی، سال ۲۸، شماره ۹.
۱۹. کاهنی، سیما؛ حسن آبادی، محسن و سعادت جو، علیرضا، (۱۳۷۹)، بررسی اضطراب، افسردگی، پرخاشگری و بزهکاری نوجوانان گروه سنی ۱۹-۱۲ ساله در خانواده های گسسته و پیوسته، فصلنامه علمی - پژوهشی دانشکده علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی سبزوار، سال هفتم، شماره چهارم.
۲۰. کرلینجر، فرد. ان، (۱۳۹۲)، مبانی پژوهش در علوم رفتاری، ترجمه حسن پاشا شریفی و جعفر نجفی زند، انتشارات آوای نور، تهران، چاپ هفتم.
۲۱. کلانتری، خلیل، (۱۳۸۲)، پردازش و تحلیل داده ها در تحقیقات اجتماعی - اقتصادی با استفاده از نرم افزار SPSS، نشر شریف، تهران.
۲۲. کوئن، بروس، (۱۳۹۲)، درآمدی بر جامعه شناسی، ترجمه محسن ثلاثی، نشر توتیا، تهران، چاپ سی ام.
۲۳. گسن، ریموند، (۱۳۷۰)، مقدمه ای بر جرم شناسی، ترجمه مهدی کی نیا، انتشارات مترجم، تهران، چاپ اول.
۲۴. محسنی تبریزی، علیرضا، (۱۳۸۳)، وندالیسم، انتشارات آن، تهران.
۲۵. معظمی، شهلا، (۱۳۸۲)، فرار دختران، چرا، نشر گرایش؟، تهران.
۲۶. مظلومی، اشرف، (۱۳۷۶)، نقش خانواده در بروز بزهکاری در نوجوانان ۱۴-۱۱ ساله کانون اصلاح و تربیت شهر مشهد، فصلنامه دانشکده پرستاری و مامایی مشهد، سال چهارم، شماره ۱۱ و ۱۲.

۲۷. نوری، علی، (۱۳۸۹)، بررسی تأثیر خانواده نابسامان در گرایش فرزندان نوجوان به بزهکاری در شهر اهواز، ماهنامه اصلاح و تربیت، سال دهم، شماره.
28. Hirschi, T. (2009). Causes of delinquency, printed in the United States of America, ISBN: 978-0-7658-0900-1, Ninth printing.
29. Horton, P. & Chester, L. (1984). Sociology. Singapore, McGraw- Hill, 6th Edition.
30. Stewart, Elbert.W & Glynn, A. (2012), Introduction to Sociology, Singapore: McGraw.
31. Thampson, A. (2012), Juvenile delinquency, Pearson, ISBN-13: 978-0205246533, 9th edition.
32. Vander, Z. (2002), Sociology, New york, U.S.A: McGraw-Hill, 6th edition.
33. Vold, B. & Thomas, B. (1986). Theoretical Criminology. Oxford University Press.